

مؤسسه‌های علمی - آموزشی ایرانیان در جامعه عثمانی (مطالعه موردی دبستان ایرانیان استانبول)

مقاله

● شاهرخ عبدالله‌زاده (دبیر آموزش و پرورش شهرستان ماکو، کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی)

اشاره

دولت عثمانی که در سده بیستم میلادی، دوران پایانی خود را سپری می‌کرد، در پی غربگرایی در سده‌های اخیر، در عرصه‌های علمی و فرهنگی شاهد ایجاد مؤسسات آموزشی ممالک مختلف بود. این مدارس با نهادهای گذشته تفاوت داشته و الگویی از مدارس اروپایی بود. ایرانیان نیز مدارسی را ایجاد کردند. مهمترین نهاد آن‌ها دبستانی بود که در استانبول تأسیس گردید. ساخت این مدرسه به دلیل اهمیت استانبول و علاقه اتباع ایرانی نسبت به فرهنگ و تاریخ بومی که در این جامعه ساکن بودند، ارتباط با گروه‌های سیاسی در عثمانی و فعالیت‌های اجتماعی در آن جامعه صورت پذیرفت. نوشتار حاضر در پی شناساندن مدارس به‌ویژه دبستان ایرانیان استانبول، کیفیت و برنامه‌های درسی آن، تاریخ اتمام آموزش در مدارس و در نهایت ارائه اسناد به جا مانده آن دوره که نشان از اهمیت مؤسسات برای عثمانی بوده، می‌باشد.

مقدمه

بررسی تاریخی رابطه ایرانیان و عثمانیان ما را به این نتیجه می‌رساند که حضور ایرانیان در مملکت عثمانی و نقش آن‌ها در عرصه‌های علمی و فرهنگی به قرن ۱۵ م/ ۵۹۰ ق، برمی‌گردد. زمانی که خیل کثیری از علما و دانشمندان ایرانی به مملکت عثمانی مهاجرت کردند. عصری که تیموریان بر ایران حکمرانی می‌کردند و به دلایل سیاسی از جمله بیمناک بودن از ترکمانان قرا قویونلو و آق قویونلو و وحدت مذهبی با عثمانیان، روابط حسنه‌ای با این دولت برقرار نمودند. این در حالی بود که این روابط و نیز مرادفات علمی در دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا فزونی یافت (حیدرزاده، ۵۰). بنا به گفته خان‌ملک ساسانی از تاریخ ۹۲۰ ه. ق، ایرانیان به‌ویژه ترکان آذربایجان یا خودشان کوچ

کرده یا بالاجبار توسط سلاطین عثمانی به آن دیار کوچانده شده‌اند (ساسانی، ۱۱۵). با روی کار آمدن سلسله صفویان عده‌ای از دانشمندان علوم مختلف از ایران به عثمانی مهاجرت کردند که از آن جمله می‌توان به حکیم‌الدین ادریس بدلیسی (متوفی ۹۲۶ ه.ق)، معروف‌ترین مورخ قرون نهم و دهم هجری در عثمانی، عثمان طبیب، پزشک ایرانی دوره سلطان سلیم، عبدالاول قزوینی، محمودین کمال، محمد قره‌باغی (همان: ۸۶-۸۲)، و بسیاری دیگر از دانشمندان ایرانی که در دوره صفوی به عثمانی مهاجرت کرده و تأثیرات زیادی در انتقال سنت‌های مدارس ایرانی به سرزمین عثمانی داشته‌اند، اشاره نمود. با گذری از این مقدمه که مربوط به عصر قبل از تنظیمات می‌باشد تا برآمدن عصر جدید که دوره ظهور عناصر تجدیدخواه و جریان روشنفکری طرفدار غرب در عثمانی می‌باشد، لازم به ذکر است که همواره همجواری ایران با قلمرو عثمانی، گسترش افکار روشنفکری، نزدیکی فرهنگی و نیز وجود عتبات عالیات و کعبه شریف، از جمله دلایلی بود که باعث حضور تاریخی اهالی این سرزمین در قلمرو عثمانی شده بود. این دوره که در عثمانی با عصر تنظیمات^۱ از آن یاد می‌شود، از تاریخ ۱۸۳۹م/۱۲۵۵ ه.ق، آغاز شده و نقطه عطفی در تاریخ عثمانی قلمداد می‌گردد، باعث گسترش افکار جدید متأثر از جریان مشروطیت و از همه مهمتر تحول آموزش و پرورش عثمانی بود. لذا از مهمترین مسائل این دوره که هدف پژوهش حاضر نیز بر آن مبتنی می‌باشد، جریان تأسیس مدارس جدید توسط اتباع خارجی بعد از تنظیمات عثمانی و بعدها در دوره جمهوری ترکیه جدید می‌باشد. در مورد خود زبان فارسی نیز می‌توان گفت که انس و الفت بعضی حکام سرزمین عثمانی همانند سلطان سلیم با ادبیات منظوم فارسی در طی سال‌های متممادی باعث شده بود که همگام با آشنایی با تمدن جدید و احساس نیاز اتباع ایرانی ساکن در آنجا، فکر تأسیس مدارس که زبان و فرهنگ سرزمین ایرانی آموزش داده شود، ایجاد شده بود. این امر با تأسیس مدارس جدید قوت گرفت. (ریاحی، ۲۴۱) بنابراین از نیمه‌های قرن سیزدهم هجری که مدارس به شیوه جدید دایر شد، تدریس فارسی در کنار ترکی و بعضاً فرانسه هم در آن‌ها ادامه یافت و جزء برنامه‌های این مدارس گردید. تا زمانی که الفبای لاتین، رسمی و معمول گشت (حیدرزاده، ۲۴۲) شاید مهمترین این دروس سه درس تحفه

۱. تنظیمات خیریه، به نهضت نوگرایی و اصلاح‌طلبی در ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه عثمانی در سده ۱۳/ق، اطلاق می‌شود. این دوره با صدور خط هماهون یا فرمان تنظیمات خیریه در ۲۵ شعبان ۱۲۵۵/ق ۳/نوامبر ۱۸۳۹م آغاز شد (شاهو، ۱۱۵/۲). به هر روی، تنظیمات دوره‌ای از قانون‌گذاری و اصلاح‌گرایی است که جامعه عثمانی را نوسازی کرد و از سلطه نهاد‌های سنتی رها ساخت و به برقراری نظام جدید که غالباً برگرفته از فرهنگ غرب بود، رهنمون شد (شاهو، ۱۱۷/۲). عبدالمجید در ادامه سیاست محمود، با صدور فرمان تنظیمات، رهبری جنبش اصلاح‌طلبی را به دست گرفت. طراح و معمار تنظیمات، مصطفی رشید پاشا، دولتمرد روشن‌فکر و ترقی‌خواه عثمانی است. وی که به پدر تنظیمات شهرت دارد، همراه با یارانی مانند عالی‌پاشا، فؤاد پاشا و احمد جودت که به تنظیمات‌چیان معروف‌اند، جریان اصلاح‌طلبی را پی گرفت (شاهو، ۱۱۲/۲-۱۱۴، ۱۱۸-۱۲۲). رشید پاشا سلطان عبدالمجید را به صدور فرمان اصلاحات و تنظیمات جدید سیاسی و نظامی و اجتماعی و داشت. سرانجام فرمانی به قلم او صادر و توسط رشید پاشا قرائت شد. متن فرمان روزیکشنبه ۲۵ شعبان ۱۲۵۵/ق ۳/نوامبر ۱۸۳۹م در پارک گلخانه کاخ توپکاپی و در حضور پادشاه، وزراء، علماء، مأموران عالی‌رتبه لشکری و کشوری، نمایندگان اصناف و معتدان، اسقف کلیساهای ارمنه و یونان، خاخام یهود، سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی و گروهی از مردم خوانده شد (شاهو، ۱۱۵/۲). به همین سبب فرمان تنظیمات، به «خط شریف گلخانه» نیز معروف است.

وهبی، نخبه وهبی و لطفیه وهبی بود که توسط سمبل زاده وهبی عالم و دانشمند وقت که این دروس را به زبان فارسی ترجمه و تدریس می‌نمود و نقش زیادی در آموزش نوین عثمانی داشت. این کتب که در واقع فرهنگنامه آموزشی قلمداد می‌شدند، برای حفظ و آموزش لغات و کلمات (زبان) تدریس می‌شد. نیز کتاب لطفیه وهبی کتابی اخلاقی بود. همچنین از جمله مواد درسی دیگر کتاب گلستان سعدی می‌باشد که بنا به گفته مورخ معاصر ترک دکتر یحیی آکیوز، تدریس آن تا سال ۱۹۲۸ میلادی در ترکیه جاری بوده و جزء دروسی بوده که آموزش آن برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه در عصر مزبور رایج و اجباری بود (Akyuz, 153).

هدف پژوهش حاضر تبیین و معرفی تاریخچه مدارس ایرانی فعال در جامعه عثمانی و ترکیه دوره جمهوری به شکل مختصر و مدرسه ایرانیان استانبول با تفصیل می‌باشد. در این تحقیق به نحوه تأسیس این مدارس، گسترش آن و اهداف دینی و سیاسی این مؤسسات و موانع و مشکلات این مدارس به‌ویژه دبستان ایرانیان استانبول طبق گزارشات باقی مانده از روزنامه اختر که مهمترین روزنامه ایرانی عصر قاجار چاپ شده در استانبول بود، پرداخته می‌شود. همچنین به برنامه درسی مدارس مزبور، شیوه‌های آموزشی آن‌ها، اخذ و پذیرش دانشجو، کارهای مربوط به نظم و انضباط آن‌ها و مسائل مرتبط با این مدارس بررسی می‌شود. قبل از ورود به بحث اصلی پژوهش که معرفی مدارس ایرانی فعال در مملکت عثمانی و ترکیه جمهوری و به‌ویژه دبستان ایرانیان استانبول می‌باشد، لازم است که مسئله تأسیس مدارس خارجی در عثمانی و قوانین آن ذکر گردد.

تأسیس مؤسسات آموزشی اتباع خارجی ساکن در مملکت عثمانی:

آموزش برای خارجیان حقی بود که از طرف قانون اساسی تدوین شده در عصر تنظیمات به آن اذعان شده بود. براساس اطلاعات ارائه شده در منابعی چون آرشیو وزارت خارجه و اسناد موجود در سازمان ملی آموزش آنکارا، خارجی‌ها برحسب خواسته‌هایشان در مدارس ترکیه تحصیل می‌کردند و این در حالی بود که برخلاف خود ترکان، آموزش برای آن‌ها اجباری نبود (Büyükkarcı, 99) در قانون اساسی حق تأسیس مدرسه برای خارجیان ساکن در عثمانی نیز داده شده بود. این مدارس که در دولت عثمانی از نیمه قرن ۱۸ م / ۱۳ ه.ق. موجود می‌باشند، بعضی از آن‌ها تا به امروز هم در ترکیه با تحولاتی در ساختار و برنامه‌هایشان فعال می‌باشند (Akyuz, 156). این مدارس با وجود اینکه به زبان‌های خارجی و غیرترکی آموزش می‌دادند، روزبه‌روز بر تعداد دانش‌آموزانش افزوده می‌شد. مؤسسات تأسیس شده که بیشتر شامل مدارس مسیحیان کاتولیک و پروتستان بود، انتقال‌دهنده فرهنگ و سنن غیراسلامی و غربی نیز در جامعه عثمانی بود. این در حالی بود که حدود پنجاه درصد از تعداد دانشجویان مدارس مذکور ترک بودند و طبق اشاره منابع، در تحولات علمی، فرهنگی و سیاسی دوره‌های بعد مؤثر بوده‌اند (Çelikel, 185).

مدارس خارجی که توسط اشخاص حقوقی خارجی و با پشتوانه مالی آن‌ها تأسیس می‌شدند، با نظام‌نامه عمومی معارف ۱۲۸۵/م ۱۸۶۹، به رسمیت شناخته شدند (Altin, 8). در این میان مدرسی که بدون فرمان رسمی دولت مبدأ تأسیس می‌گشتند، در سال ۱۹۰۱/م ۱۳۱۸، با رد و بدل شدن نامه‌هایی از طرف دولت عثمانی قانونی اعلام گردیدند. لازم به ذکر است بیشتر مدارس فرانسوی از این دست بودند (Büyükkarc, 141). نکته مهمی که باید در رابطه با این مدارس در اینجا ذکر کرد و مدارس ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبودند، مسئله ضرورت و اجباری بودن آموزش دروسی بود که در مفاد قانون تعلیمات‌نامه مکاتب خصوصی در رابطه با همه مدارس خارجی فعال در عثمانی ذکر شده بود که عبارت بودند از:

۱. ضرورت آموختن زبان، تاریخ و جغرافیای ترک براساس زبان آموزشی مدارس.
 ۲. دروس آموزشی این مدارس، اسامی نویسندگان کتب آن‌ها، ناشر و محل نشر آن‌ها.
 ۳. ضرورت مشخص شدن معلمان، هویت آن‌ها و محل فارغ‌التحصیلی آنان.
 ۴. باز بودن این مدارس برای بازرسی و تفتیش همیشه به جز ایام تعطیل.
- این قوانین بعدها در دوره جمهوری به تصویب وزارت ملی آموزش (MEB) رسید. اما آئین‌نامه جدید تصویب شده در تاریخ ۱۹۳۵/۱۱/۷ میلادی، قوانینی وضع نمود که مهمترین آن‌ها بدین قرار است:

۱. هیچ یک از این مدارس خارجی نمی‌تواند شعبه‌ای دیگر بزند.
۲. در این مدارس خارجی نباید از نو مدارس ابتدایی ایجاد گردد.
۳. تعداد کلاس‌های این مدارس که در نظارت‌خانه معارف ثبت شده‌اند، افزایش نمی‌یابد (همان، ۱۸-۱۷).

ایرانیان ساکن در جامعه عثمانی

براساس آثار و اسناد باقی‌مانده از قرن ۱۹/م ۱۳، ق. ایرانیان بسیاری در عثمانی و به‌ویژه شهر استانبول با اهداف سیاسی، فرهنگی، تجاری و علمی حضور فعال داشته‌اند. از دید بسیاری از علما و روشنفکران و تجار ایرانی، استانبول شهری بسیار جذاب بود. تاریخ و جغرافیا دست به دست هم داده بودند تا این شهر موزه‌ای از سنن و فرهنگ تلقی شود. اکثر ایرانیان به‌ویژه تجار آذربایجانی و ترک‌زبان در این شهر از آزادی کامل تجارت و داد و ستد برخوردار بودند و بسیاری از آن‌ها در فرصت‌های مناسب تبعه عثمانی شدند و ظرف مدت کوتاهی کاملاً جذب آنجا شدند (قرقلو، ۴-۳) موقعیت استراتژیکی این شهر به‌عنوان دریچه‌ای رو به غرب و افکار جدید و نیز پایتخت دیرینه خلافت اسلامی باعث سرازیر شدن اقوام و ملل مختلف به‌ویژه ایرانیان به آنجا شد. حضور ایرانیان در استانبول در زمینه سیاسی - فرهنگی با انتشار روزنامه‌های اختر، سروش و جراید دیگر پررنگ

می‌باشد و در زمینه علمی هم اقدام به ایجاد مدرسه، نقش بارز ایرانیان را از نیمه قرن ۱۸م/ ۱۳ه.ق، در عثمانی و بعدها دوره ترکیه جمهوری جلوه می‌دهد. سابقه حضور بازرگانان ایرانی در استانبول به اواسط نیمه اول قرن ۱۸ میلادی باز می‌گردد. پیش از آن نزدیک به دو قرن در نتیجه جنگ‌های صفویان و عثمانیان راه تجارت ایران و اروپا از طریق عثمانی بسته مانده بود (رئیس‌نیا، ۸۲۲، ۲). خان ملک ساسانی درباره ترکیب شغلی تجار و اصناف ایرانی ساکن عثمانی می‌نویسد: ایرانیان استانبول داخل هرگونه بازرگانی و پیشه شده از هیچ‌کاری روی گردان نیستند. تجارت قالی ایران اغلب به دست آنان و تجار معتبر هم در میانشان بسیار است. بعد از قالی‌فروشان، کتاب‌فروشان و کاغذفروشان می‌آیند که هم عده‌شان بسیار و هم صاحب ثروت معتبرند (ساسانی، ۹۴). اما مهمترین هدف پژوهش حاضر معرفی و ارائه اطلاعاتی در مورد مدارس ایرانی ساخته شده در مملکت عثمانی و به‌ویژه استانبول بر مبنای منابع موجود و نیز اسناد آرشیو عثمانی می‌باشد. ایرانیان همانند سایر دول خارجی ساکن در اراضی مملکت عثمانی، مدارس مختلفی را ایجاد کرده بودند. طبق آنچه که از منابع برمی‌آید تعداد این مدارس به ۴ مرکز خلاصه می‌شد (Büyükkarci, 25) که البته مهمترین آن‌ها دبستان ایرانیان استانبول می‌بود. در اهمیت این دبستان همین بس که فعالیت آن تا سال‌ها بعد از انحلال امپراطوری عثمانی تا تشکیل جمهوری ترکیه نیز ادامه داشت. اینک در زیر به شرح اطلاعاتی از این مدارس در امپراتوری عثمانی می‌پردازیم:

الف: یکی از این مدارس موسوم به دبستان اخوت ایرانیان موجود در بغداد بود. این مدرسه که فعالیت علمی آن تا سال ۱۹۱۰م، ادامه داشته است، (Polat, 156) به دلیل عدم ارائه اطلاعات در مورد این مدرسه در منابع، هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد کیفیت آموزشی آن، سطح آموزشی، ظرفیت دانش‌آموزان و حتی تاریخ دقیق ساخت آن موجود نیست و منابع تقریباً اطلاعاتی در مورد مدرسه مذکور نداده‌اند.

ب: مدرسه مهم و قابل ذکر دیگر ایرانیان، مدرسه‌ای موسوم به حسینی بوده است که توسط جمعیت ایرانی انجمن مساوات در کربلا تأسیس شده بود. براساس اسناد آرشیو تاریخ عثمانی (MEB) مکتب حسینی متشکل از سطوح آموزشی ابتدایی، رشدیه و اعدادی می‌شد. شاید مهمترین نکته قابل ذکر در مورد این مدرسه، سندی است که در آرشیو نخست‌وزیری ترکیه موجود می‌باشد. موضع این سند تقاضانامه‌ای است که به خاطر افتتاح این مدرسه توسط انجمن مساوات ایران در کربلا نگاشته شده و بر جای مانده است. در زیر ترجمه تقاضانامه آورده می‌شود:

- نظارت عمومی معارف/مدیریت تحریرات/شماره خصوصی: ۱۰۷۶ - عمومی: ۱۵۵۷
- حضور سمیع جناب صدارت پناهی
- تقاضانامه‌ای از طرف چاکران

«در سنجاق (ولایت) کربلا از طرف انجمن مساوات ایرانیان مقیم برای تأسیس مدرسه‌ای موسوم به حسینی در سه سطح ابتدایی، رشدیه و اعدادی اجازه و رخصت طلبیده و بالمخبره از طرف تحریرات رسیده از بغداد برای ساخت بنای مدرسه و تعیین مدیر و معلمان صالح برای آنکه تنظیم رخصت‌نامه برای تأسیس آن در پی موافقت حضرت صدارت پناهی بوده که امید است با قدوم ایشان و فرمان صاحب‌الامر این مهم میسر گردد.»

شعبان سال ۱۳۲۸ ه. ق. / آگوست ۱۹۱۰ م.

(*Osmanlı Arşiv Daire Başkanlığı, 2010:231*, دایره آرشیو مرکزی عثمانی)

پ. در اسناد موجود بین آرشیو ملی آموزش عثمانی (MEA) سندی حکایت از وجود مدرسه‌ای در استانبول مربوط به سال ۱۹۱۶ م / ۱۳۳۴ ه. ق می‌کند. این مرکز آموزشی که نامش دبستان احمدیان استانبول آورده شده، شامل ۴ کلاس ابتدایی و ۱ کلاس رشدیه بوده است. مدرسه مزبور که در کنار مزار فضل‌پاشا و در محل دبستان اتریشی سنت جرج استانبول ایجاد شده بود (Büyükkarc, 28)، به علت فقدان اطلاعات جامع در منابع و تواریخ بجا مانده، نمی‌توان شرح مفصلی راجع به جزئیات آن ارائه داد.

ث. دبستان ایرانیان طرابزون: یکی از مدارسی که اتباع ساکن در عثمانی بنیان نهادند، مدرسه ابتدایی در شهر طرابزون بوده است که طبق اطلاعات مندرج در روزنامه اختر در اواخر سال ۱۳۰۲ ق، خانه‌ای خریداری و به‌عنوان مدرسه استفاده می‌شود. به طوری که تجار ساکن در بندر طرابزون به قیمت دوپست و پنجاه لیر عثمانی خانه را خریده و یکصد لیر نیز جهت تعمیر و خرید لوازم مورد نیاز خرج آن کرده و مدرسه را دایر می‌کنند. براساس اشارات منبعی دیگر این مدرسه که در واقع بیمارستان - مدرسه بوده از طرف کسولگری و به خرج تجار ایرانی ساکن آنجا دایر می‌گردد (Diğiroğlu, 17). بنا به گزارش میرزا حسین فراهانی قریب به هشتصد نفر تبعه ایران در طرابزون و اطراف آن هستند که پنجاه نفر تاجر و باقی کسبه و متفرقه‌اند (فراهانی، ۹۴). میرزا علی‌خان امین‌الدوله^۱ که در ذی‌قعدة ۱۳۱۶ ق در سر راه خود به مکه در ساحل طرابزون توقف داشته، درباره مدرسه مذکور چنین می‌نویسد: میرزا اسدالله‌خان قنسول و آقا محمد تاجر که مدیر و مراقب مدرسه ایرانیان است، تا مغرب در کشتی بودند. از ترقی و پیشرفت مکتب و هوش و استعداد می‌گفتند. مجدالملک و معین‌الملک (باردر و پسر ایم‌الدوله) را هم برده بودند به مکتب و خیلی آن را تحسین می‌کردند (رئیس‌نیا، ۸۳۱-۸۳۰).

۱. میرزا علی‌امین‌الدوله (۱۲۵۹ ه. ق، تهران - ۱۳۲۲ ه. ق، گیلان)، از رجال دوران قاجاریه و صدراعظم ایران بود. وی در سال ۱۳۱۳ ق به پیشکاری آذربایجان منصوب شد. از آثار او می‌توان به سفرنامه مکه و خاطرات امین‌الدوله اشاره کرد.

ت. مدرسه ایرانیان استانبول یا دبستان ایرانیان، مهمترین و تنها مدرسه‌ای از بین این مدارس می‌باشد که منابع اطلاعات بیشتری در مورد آن ذکر کرده‌اند. این مدرسه که تا سال‌های متمادی بعد از سقوط عثمانی در جامعه ترکیه به فعالیت خود ادامه داده بود، در سال ۱۸۸۴ م / ۱۳۰۱ ه.ق، توسط هیئتی از ایرانیان به سرپرستی حاج شیخ حسین‌خان معین‌الملک (ساسانی، ۱۰۳) مقیم استانبول بنا نهاده شد. بانیان مدرسه در محله چاقماقچیلار استانبول واقع در کاروانسرای والده‌خان که محل تجمع ایرانیان بود، مکانی شامل دو اتاق را اجاره کرده بودند و تنها با دارا بودن ۹ نفر دانش‌آموز با معلمی علی آقا نامی فعالیت علمی خود را آغاز نمود. بعدها شخصی به نام حاج علی صادقیانی با گذشت زمان و افزایش تعداد دانش‌آموزان و نیز تخصیص مکان مدرسه به بیمارستان (ساسانی، ۱۰۵) محلی را در منطقه بایزید استانبول اجاره و مدرسه را به آنجا منتقل نمود. بدین ترتیب با نام دبستان ابتدایی ایرانیان به فعالیت خود ادامه داد. بعدها این مکان به خاطر آتش‌سوزی که در آن رخ داد، به وسیله یک ایرانی متهمل ساکن استانبول به منطقه‌ای در محله دیزداریه چمبرلی تاش در ساختمانی با ۲۴ اتاق که وقف شده بود، منتقل گردید و تا سال ۱۹۳۴ م / ۱۳۵۲ ه.ق، در این مکان به فعالیت خود ادامه داد (Taşdemirci, 11-12) نکته عجیب اینکه مکان تازه اجاره کرده نیز در نتیجه آتش‌سوزی به وقوع پیوسته در آن، تبدیل به خاکستر شده و تنها دفتر مربوط به اسامی، توسط یکی از دانش‌آموزان مدرسه بیرون آورده شده بود. سرانجام از سال ۱۹۳۴ م / ۱۳۵۲ ه.ق، باز توسط یک تاجر ایرانی (حاج رضاقلی خراسانی) به منطقه سلطان احمد استانبول نقل مکان کرده و در آنجا مدرسه‌ای را دایر نمودند (Haydaroglu, 159). بدین ترتیب دبستان ایرانیان که مالک آن وزارت ملی معارف ایران بود، در واقع توسط جمعی از اتباع ساکن مملکت عثمانی اداره می‌شد که اسامی آن‌ها بدین قرار می‌باشد: حاج محمود آقا، حاج علی آقا، هادی بیگ، حاج میرزا عبدالکریم و جمعی از ایرانیان ثروتمند استانبول و اولین نماینده و مدیر آن حاج رضاقلی خراسانی (ساسانی، ۵۵)..

این مدرسه که از زمان تأسیس در ۱۸۸۴ م / ۱۳۰۱ ه.ق، به شکل غیررسمی فعالیت می‌نمود، در سال ۱۹۵۸ م / ۱۳۷۷ ه.ق، جایگاه آن از طرف دولت ترکیه تصدیق و به رسمیت شناخته شد. با این وجود تا تاریخ مذکور نیز مدرک فارغ‌التحصیلی آن مانند سایر مدارس ابتدایی فعال در جامعه عثمانی پذیرفته می‌شد. مدرسه نیز با گذشت زمان تقریباً از همه‌جور لوازم تحصیل و امکانات آموزشی لازم برای یک مدرسه ابتدایی برخوردار شده بود.

(OsmanlıArşivDaireBaşkanlığı, 2010:530، دایره آرشیو مرکزی عثمانی)

با سقوط رژیم پهلوی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م، نمایندگی سابق مدرسه به کنسولگری دولت ایران سپرده شد و از این تاریخ نام مدرسه به مدرسه

ابتدایی جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت. اما مدرسه مکرراً در تاریخ ۱۹۸۵/۶/۱۵ میلادی به کلی طعمه حریق شده و در همان سال از طرف وزارت آموزش ترکیه بازسازی و فعالیت آموزشی آن از سر گرفته شد. اما این مدرسه در سال ۱۹۹۰م تعطیل شد. اما از دیگر منابعی که اطلاعات نسبتاً جامعی درباره مدرسه اراده می‌کند، سندی است در آرشیو وزارت آموزش و پرورش ترکیه به تاریخ ۱۹۵۱ م / ۱۳۷۰ ه.ق، که در قالب یک نظام نامه مدون راجع به دبستان ایرانیان، معلمان، مدیر، برنامه درسی، مسائل مربوط به نظم و انضباط، برنامه‌های درسی دانش‌آموزان و مسائل مرتبط با نظام آموزشی مدرسه اطلاعاتی را عرضه می‌دارد (Haydaroglu, 165-168). این نظام‌نامه در ۱۰۲ ماده تنظیم شده و همه امور مربوط به اداره مدرسه، شرایط ثبت‌نام، شرایط دانش‌آموزان و معلمان، روش تدریس و مواد درسی در آن منظور شد. به طوری که هر کس به خوبی و روشنی تکلیف خود را می‌داند. طبق موادی از این نظام‌نامه، مدت تحصیل در مدرسه ۸ سال است و فارغ‌التحصیلان شهادت نامه (مدرک) می‌گیرند و به کار می‌پردازند. بر این اساس مهمترین مواد این نظام‌نامه عبارتند از:

- **ماده ۱:** دبستان ایرانیان مؤسسه‌ای آموزشی ۶ ساله بوده و وظیفه آن آماده کردن و فرستادن دانش‌آموزان به مدارس متوسطه می‌باشد.
- **ماده ۲:** مواد درسی مدرسه و موضوعات آن و همچنین برنامه درسی و تقسیم ساعات هفتگی آن توسط وزارت ملی آموزش تدوین می‌گردد.
- **ماده ۳:** وظیفه مدیر است که برای انتخاب معلمان دروس زبان و فرهنگ ترکی علاوه بر معلمان موجود، لیست اسامی آن‌ها را برای اخذگواهی استخدام به مرکز ارسال دارد.
- **ماده ۴:** مدیر در اداره مدرسه و امورات مربوط به انضباط آن، اجرای قوانین و مسائل مربوط به آن مسئول می‌باشد.
- **ماده ۵:** معلمان بایستی در مورد اجرای هر چه بهتر آموزش در مدرسه، تعیین مدیر و وظایف آن با هم بحث و نظرات خود را در مواردی که اجرای آن برای مدرسه لازم ببینند را اعلام نمایند.
- **ماده ۶:** معلمان باید در مورد مسائلی چون برنامه درسی و لوازم آموزشی و برنامه‌ریزی برای انجام هر چه بهتر تکالیف دانش‌آموزان و حضور و غیاب آن‌ها تبادل نظر کرده و برای بهبود کیفیت آموزشی و اجرایی کردن خواسته‌های خود آن را با مدیر مدرسه در میان بگذارند.
- **ماده ۷:** مدارک لازم برای ثبت‌نام در این مدرسه عبارت‌اند از: برگه اقامت، گواهی سلامت پزشکی، عکس.

- **ماده ۸:** مدرسه در ماه ايلول (ماه ترکی) آغاز شده و در ماه ماییس (ماه ترکی) پایان می‌یابد.
 - **ماده ۹:** دانش‌آموزان موظفانند به‌طور پیوسته و فشرده در کلاس‌های درس حضور یابند.
 - **ماده ۱۰:** کیفیت درس دانش‌آموز و نیز حضور و غیاب او باید از طرف معلم مورد توجه قرار گرفته و مورد تقدیر و یا تنبیه قرار گیرد.
 - **ماده ۱۱:** معلمان موظفانند که تکالیف خارج از مدرسه دانش‌آموزان را تهیه کرده و به آن‌ها بدهند. نمرات این تکالیف باید ثبت شود و نیز بایستی مشکلات بیرون از مدرسه دانش‌آموزان که مانع انجام تکالیف آن‌ها می‌شود، رفع گردد. در روزهای تعطیل و عید تکلیفی به آن‌ها داده نمی‌شود. برای جلوگیری از انباشت تکالیف دانش‌آموز، معلمان باید در این زمینه برنامه‌ریزی کنند. باید دانش‌آموزان را به انجام تکالیف به شکل منظم، تمیز و اشتباه کمتر عادت دهند.
 - **ماده ۱۲:** برای آموزش زبان و فرهنگ ترکی و نیز امتحانات آن، از مدارس خارجی به شکل ویژه و مخصوصی باید انجام بگیرد.
- در نهایت مهمترین مسئله قابل ذکر و موجود در رابطه با این مدرسه، قانون نامه‌ای است که در تاریخ ۲۳ تموز ۱۹۵۳ م. از طرف وزارت آموزش و پرورش ترکیه برای برنامه درسی مدرسه ایرانیان صادر شده است که مفاد و برنامه اعلان شده بر حسب ساعات درسی بدین ترتیب می‌باشد:
- آموزش زبان به شکل اجباری باید در برنامه درسی زبان مدرسه ایرانیان گنجانده و تدریس شود. اما این برنامه درسی برای پنج کلاس ترتیب داده شده بود.
۱. حساب ۳، موسیقی ۱، تربیت بدنی ۱، ترکی ۱۰، دستور و زبان فارسی ۳ **ساعت**.
 ۲. ترکی ۷، فارسی ۱۰، حساب ۳، موسیقی ۱، تربیت بدنی ۱ **ساعت**.
 ۳. ترکی ۷، فارسی ۶، جغرافیا ۲، تاریخ ۲، مکالمه ۲، ریاضی ۳، درس دینی ۱، نگارش ترکی و فارسی ۱، نقاشی ۱، موسیقی ۱، تربیت بدنی ۱ **ساعت**.
 ۴. ترکی ۶، تاریخ ۲، جغرافیا ۲، فارسی ۳، جغرافیای ۱، تاریخ ۲، مکالمه و نگارش ۱، دستور ۱، موسیقی ۱، تربیت بدنی ۱ **ساعت**.
 ۵. زبان ترکی ۶، تاریخ ۲، جغرافیا ۲، فارسی ۶، جغرافیای ۴، تاریخ ۱، ریاضی ۳، موسیقی ۱، تربیت بدنی ۱، درس اشیاء ۱، مکالمه و نگارش ۱، علم‌ایران‌شناسی ۱ (Büyükkarcı, 23-29). لازم به ذکر است که دختران در کنار این برنامه در هفته یک ساعت آموزش دوزنگی می‌دیدند (Akyuz, 169). همچنین شایان ذکر است که سیداحمدخان ملک ساسانی که از دیپلمات‌های عصر قاجار می‌بود، در مورخه

۱۲۹۷ ه. ق، به‌عنوان کارمند ارشد در کنسولگری ایران در استانبول گمارده شد. وی در کتاب یادبودهای سفارت استانبول خود، بخشی را در توصیف مدرسه ایرانیان استانبول اختصاص داده است که قسمتی از آن را که در واقع یادداشت‌های روزانه خود بیان کرده است در توصیف مدرسه می‌آوریم. لازم به ذکر است از نوشته‌های خان‌ملک ساسانی در توصیف مدرسه این‌طور برمی‌آید که نقش و تأثیر آموزشی مدرسه کم‌رنگ شده و در زمان وی بیشتر تبدیل به مکانی تشریفاتی و خالی از وجهه آموزشی لازم و تأثیرگذار و مورد اقبال ایرانیان ساکن استانبول شده است: «در این ایام که سال ۱۳۳۵ قمری بود دبستان ایرانیان فقط یک کلاس داشت که چهارده شاگرد در آنجا عمّ جزء می‌خواندند. این اطفال بینوا در استانبول متولد شده و هیچکدام فارسی نمی‌دانند. مابین خودشان هم ترکی حرف می‌زنند. ناظم و معلم دبستان یک درویش مولوی است که روزی چند ساعت به خیال خودش نی می‌زند و اشعار مثنوی می‌خواند. اطفال ایرانی همه به مدارس محلی می‌روند زبان فارسی که نمی‌آموزند سهل است تحت‌تأثیر کتب تبلیغاتی عثمانیان از ایرانیت دلسرد و از ایران بیزار می‌شوند. ساختمان مدرسه اطلاق بسیار دارد که همه آن‌ها خالی و بلامانع است. متولیان ملت، کدخدایان اصناف و سران اوباش ایرانی هر شب که از رفتن به خانه معذورند شب را با جمیع لوازم طرب در مدرسه می‌گذرانند و ...» (ساسانی، ۱۰۴).

میرزا حسین‌خان فراهانی در سفرنامه خود درباره کمک مالی به این دبستان چنین آورده است: دبستان اطفال ایرانیان چند سال است برقرار شده. در اول برقرای این دبستان معین‌الملک میهمانی مفصلی کرده، علی‌الرسم اعیان و سفرا را دعوت نمود و در مجلس عنوان کرد که چنین خیالی در مد نظر است. هر یک از مدعوین چنانچه معمول است هر مبلغ که مقدورشان بود، اعانت کردند. تنخواهی جمع شد و آن تنخواه را به یکی از تجار ایرانی سپردند. بعد مجلسی ترتیب و ایرانیان را طلبیدند و قرار دبستان را گذاشتند. و تجار ایرانی به ملاحظه تمدن و وطن‌پرستی، قرار دادند از بابت مخارج دبستان هر یک به حسب استطاعتشان اعانتی نموده، شهریه معینی بدهند. خواه طفل در دبستان داشته باشند یا نداشته باشند. بعد اطفال درس‌خوان را معین نمودند و لباس مخصوصی به جهت آن‌ها قرار دادند و خانه‌ای کرایه کردند و از آن تنخواهی که جمع شده بود، و اسباب منزلی از قبیل میز و صندلی و آئینه و کتاب و غیره خریدند و معلمین عربی و فارسی و فرانسوی و پیشخدمت و کفشدار و فراش نیز برقرار داشتند و حاجی میرزا مهدی نام را به ریاست کل گماشتند که مشار الیه سخنگو و با مدرک و متدین و کافی و با علم است. و اطفال از شصت نفر متجاوزند و مجلس متعدد دارند و اختلاف مراتب فهمشان مختلف است. صبح می‌آیند و عصر می‌روند و ناهار در دبستان می‌خورند. اگر طفلی بی‌کس و یتیم و فقیر است که هر چیز

می‌خورد مخارج او از دبستان داده می‌شود و اگر شب جا و مکان نداشته باشد، در همان دبستان می‌خوابد. و مخارج این دبستان چند فقره است: یکی کرایه خانه است که قریب به دویست تومان است، یکی ماهیانه رئیس و معلمین و عملجات است که هر یک به اختلاف شهریه معینی دارند، یکی تعمیر اسباب قدیم و ابتاع اسباب جدید به جهت مجالس است، یکی مخارج خوراک و لباس اطفال بی‌بضاعت و یتیم است که باید از دبستان داده شود و آن شهریه که تجار می‌دهند هنوز کفایت آن مخارج را نمی‌کند هرچند کم و کسر آید از آن تنخواهی که سابقاً در مجلس میهمانی جمع شده خرج می‌کنند. صورت شهریه که تجار می‌دهند با مخارج معینه دبستان، کتابچه و چاپ نموده‌اند تا همه اعانت‌کنندگان بدانند در این میان حیف و میلی نمی‌شود. این بنده وقتی به دبستان رفتم که درس اطفال را امتحان می‌کردند، عربی و فارسی و هندسه و حساب و جغرافی را خوب می‌دانستند. می‌توان گفت در این مدت قلیل ترقیات کثیره نموده‌اند، این طفل یک شبه ره صد ساله می‌رود. اگر این وضع بهم نخورد به اندک زمان ترقیات کلی خواهند نمود و مایه مفاخرت ایرانیان در ولایت خارجه خواهد بود (فراهانی، صص ۲۵۵-۲۵۴).

گزارشات روزنامه اختر

در پایان گزارشاتی که از مدرسه ایرانیان استانبول در روزنامه اختر چاپ استانبول منتشر شده و حاوی نکات مهمی در رابطه با مدرسه می‌باشد، ارائه می‌گردد. در شماره مورخ ۱۴ شعبان ۱۳۱۱ اختر آمده است: «اساس و پروگرام این مدرسه از روی مکاتب اعدادیه برداشته شده است» (اختر، ۵۰۲). در شماره ۱۴ آن اشاره شده که «وضع دبستان نه بر وفق آرزوی ملت پرستان است» (همان: ۵۰۶). اما بعد در این روزنامه اعلام می‌گردد که صنف غیرتمند تنباکوفروشان ایرانی مقیم استانبول بر عهده می‌گیرند که جهت تأمین مخارج دبستان سالی ۶۰۰ عدد مجیدی نقره پیشکی در اختیار اداره دبستان بگذارند. میرزا حسین فراهانی متخلص به گلبن و ملقب به ملک‌الکتاب (ق ۱۳۳۱-۱۲۶۴)، که در تدوین مجلدات مطلع‌الشمس شرکت داشته و پدر احمدخان ملک ساسانی بود، به هنگام بازگشت از مکه چند روزی در استانبول اتراق کرده و از دبستان مذکور بازدید به عمل آورده است. پس از نقل اخبار ورود او به استانبول و بازدیدش از دبستان ایرانیان، گزارشش از دبستان مزبور نقل خواهد گردید: دیروز با واپور محله به نام خدیو جمعی از حجاج دوالابتخاج وارد در سعادت شده‌اند. از آن جمله عالی‌جاهان مقرب‌الحضرة الخاقانیه، حاجی میرزا حسین ملک‌الکتاب و ... وارد شده‌اند. در ادامه گزارش می‌دهد: از قراری که اطلاع حاصل نمودیم حاجی میرزا که از دانشمندان ایران هستند، روز پنجشنبه گذشته (۲۵ صفر ۱۳۰۳) معزی الیه محض از راه ملت‌خواهی و ترقی‌پروری به دبستان ایرانیان رفته، در مجلس امتحان خصوصی شاگردان شرف حضور به هم رسانیده از درجه تحصیل شاگردان که همه سؤالات را جواب کافی می‌دادند، اظهار خشنودی نمودند (رئیس‌نیا، ۸۲۶). از لابه‌لای این گزارشات

چنین فهمیده می‌شود که وضع مدرسه چندان هم به لحاظ مالی بسامان نبوده است. به طوری که مدیر روزنامه اختر که در سال ۱۳۰۵ ه.ق، در یکی از جلسات انجمن اداره دبستان شرکت کرده است، چنین گزارش می‌دهد: «وضع مدرسه خیلی در هم و پریشان است. وجهی که به‌عنوان اعانه از جانب غیرتمندان ملت داده می‌شود، کفاف مخارج آن را نمی‌کند. امر اداره مدرسه منحصر به اعانه غیرتمندان ملت است. در آغاز کار مقدار اعانه معین و بدان میزان هم مخارجی برآورده شده بود؛ حال آنکه درثانی بسیاری از اعانه‌دهندگان پای همت پس کشیده، به ترک فتوت رفته‌اند و اکنون خرج دو مقابل دخل است. بدیهی است که با این حال از بقا و دوام و ترتیب انتظام آن اطمینان حاصل نتواند شد؛ که این یکی موجب تأسف و تأثر است که در شهر پایتخت بزرگی مانند اسلامبول و این همه کثرت هموطنان که بحمدالله اغلب صاحب ثروت و مکنت هستند، این کار مقدس مهمل و متروک ماند. هرگاه ماهی هر کدام بدون استثنا پنج قروش اعانه بدهند، عمل اداره دبستان را بالغاً کفایت خواهد نمود ...» (اختر، ۱۱۹). نکته جالب اینکه طبق اسناد باقی مانده برای اداره مدرسه و تأمین بودجه آن، بنا به سنتی که چند سال پس از تأسیس دبستان متداول گشت، کنسرت موسیقی در سالن سفارت ایران ترتیب می‌یافت و در این برنامه گروهی از نوازندگان مخصوص همایونی شرکت می‌کردند. آگهی اجرای این برنامه خیریه در اختر داده می‌شد. این برنامه معمولاً با حضور کارمندان عالی‌رتبه سفارتخانه‌های دول دیگر، رجال و دولتمردان عثمانی و تجار ایرانی مقیم استانبول که تعدادشان بالغ بر ۴۰۰ نفر می‌شده، اجرا می‌گردید و کلیه درآمد حاصل از آن در اختیار انجمن اداره‌کننده دبستان گذاشته می‌شد. طبق گزارشات روزنامه اختر این برنامه به ابتکار معین‌الملک متداول شده بود و بعد از او سفرای دیگر مثل میرزا اسدالله‌خان ناظم‌الدوله دیبا و میرزا محمودخان علاءالملک دیبا نیز برگزار گردید. در برنامه برگزار شده در ذی‌قعدة ۱۳۱۳ سفیر کبیر فرانسه نیز در زمیره مهمانان بوده است (رئیس‌نیا، ۸۲۸-۸۲۷). غیر از آن معمولاً ناصرالدین شاه سالانه در حدود ۵۰ لیره به دبستان کمک مالی می‌کرده. اسماعیل پاشا، خدیو مخلوع مصر نیز در سال ۱۳۰۶ مبلغ ۱۰ لیره به دبستان اعانه داده است. مؤیدالملک که در سال ۱۳۰۵ از دبستان بازدید به عمل آورده، به مناسبت تقرب عید مبلغ هفتاد تومان پول ایران برای لباس چند نفر از اطفال بی‌بضاعت انعام و به چهار نفر طفل یتیم که شب و روز در مکتب بوده، اداره دبستان متحمل مخارج آنان نیز به هر کدام یک لیرای فرانسوی احسان کرده‌اند. در همین زمان میرزا حبیب اصفهانی که ناظم دبستان بوده، قصیده‌ای در ستایش جناب معزی الیه به رشته نظم کشیده در آنجا تقدیم وی می‌کند (اختر، سال ۱۴، شماره ۲۲ به نقل از رئیس‌نیا، ۸۲۸). همچنین در رابطه با معلمین دبستان ایرانیان و مواد درسی آن اینچنین گزارش می‌دهد: غیر از میرزا حبیب اصفهانی افرادی چون میرزا آقاخان کرمانی، مهدی اختر، حسین دانش، شیخ‌الرئیس قاجار و ویزنتال افندی و کسان دیگر در آن مدرسه تدریس کرده‌اند. ویزنتال افندی مؤلف یک لغتنامه

جیبی ۶۴۰ صفحه‌ای فرانسه به ترکی و یک لغت ترکی به فرانسه بوده و روزنامه اختر در سال ۱۳۰۲ ق درباره مناسبات وی با دبستان چنین نوشته است: دبستان معلمان خوبی دارد. نظارت درس و معلمی زبان فرانسه و تاریخ عمومی و فن اصول دفتری در عهده ویزنتال است که از کثرت معروفی احتیاج به تعریف ندارد که علاوه از مطبوعات عثمانی در عالم مطبوعات اروپا نیز همه روزه نامش زبانزد است. برای تعلیم ریاضی و نقشه‌کشی و املا فارسی و ترکی همین معلم کافی است (همان).

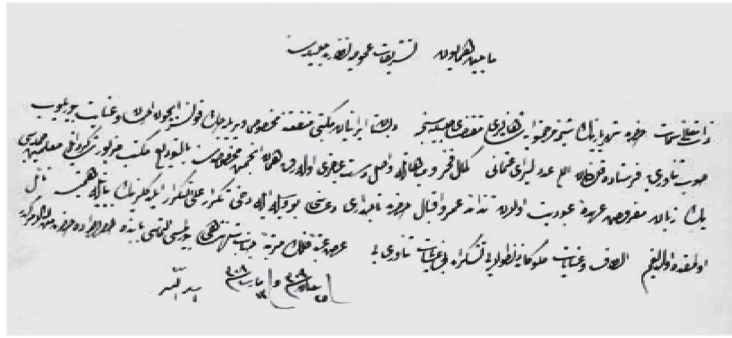
همین روزنامه گزارش می‌دهد که همه ساله در پایان سال تحصیلی با حضور تعدادی از مقامات سفارتی و عده‌ای از رجال عثمانی و تجار ایرانی مراسمی برای توزیع جایزه به دانش‌آموزان این مدرسه منعقد می‌گردید. چنانکه در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۰۶ ق چنین مراسمی با حضور نماینده منیف پاشا، وزیر معارف عثمانی در محل دبستان برگزار گردیده و از قرار آگاهی به دست آمده است که: «صنف غیرتمند کتاب‌فروشان ایرانی به مناسبت توزیع مکافات پیش از وقت هر کدام به اقتضای غیرت ملی و ترقی‌خواهی چند جلد کتاب به اداره دبستان فرستاده بودند به شاگردانی که استحقاق مکافات دارند، هدیه بشود...» (اختر، ۵). قابل ذکر است که این روزنامه هیچ اشاره‌ای به واقعه آتش‌سوزی رخ داده در این مدرسه نکرده و فقط در شماره ۱۲ سال ۱۳۱۲ ه.ق، خود اشاره می‌کند که بر اثر زلزله شدیدی که شهر استانبول را به لرزه در آورد، دبستان مدتی به خاطر شکستی که در بنای آن ایجاد شده بود، مدتی تعطیل گردید و بعد از تعمیرات لازم در آن در اواسط ربیع‌الاول همان سال باز شد. به گزارش روزنامه مزبور در این زمان در وضع اداره آن پاره‌ای تغییرات در پروگرام درس‌ها و مقدار (همان: ۳۳). صنوف (کلاس‌ها) نیز اصلاحاتی اعمال گردید. در باب تعداد شاگردان مدرسه روزنامه اختر گزارش می‌کند که دبستان در سال ۱۳۱۱ ق قریب به نود نفر شاگرد داشته که از آن جمله ۳۰ نفر اطفال یتیم و فقیر و بی‌پیز بوده‌اند و تمامی مخارج لباس و خوراک و اسباب تحریر آن‌ها از طرف اولیای دبستان تأمین می‌شده است و کلیه هزینه آن که در حدود ۸۰۰ لیره عثمانی بود، از طریق اعانه گردآوری می‌شده است. بعدها تعداد شاگردان مدرسه بین سال‌های ۱۳۱۸-۲۷ ق در حدود ۱۰۰ نفر که در ۸ کلاس تقسیم شده بودند رسید. ریاست مدرسه هم به حاجی میرزا مهدی سپرده شد که وی فردی صاحب قلم بوده و در سابق مدیریت روزنامه هم بوده و در روزنامه حبل‌المتین مقالاتی می‌نگاشته است. به گزارش اختر وی رساله‌ای با عنوان «دبستان خرد» در تاریخ ۱۳۰۴ ق منتشر نمود که در شماره ۳۲ سال ۱۳ دربارهاش این چنین نوشته است: رساله مذکور در زیر امضای عزت‌مآب تحسین افندی ناظر درس و به دستگیری حاجی رضاقلی مدیر دبستان ایرانیان رونق افزای عالم مطبوعات گردیده، در هر پانزده روز یک بار طبع و منتشر می‌شود. نکته جالب درباره این روزنامه اینکه منافع حاصل از آن به دبستان ایرانیان اختصاص یافته و پاره‌ای لوازم و اسباب هندسی و جغرافی دبستان است و مندرجات آن جهت استفاده دانش‌آموزان دبستان می‌باشد (همان، ۸۳۰).

نتیجه:

در جامعه عثمانی اتباع خارجی دول متعدد با اهدافی گوناگون اقدام به تأسیس مدرسه کرده بودند. ایرانیان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. بدین ترتیب مدارس تأسیس شده از طرف ایرانیان در شهرهایی چون بغداد و کربلا به عنوان مراکز شیعه‌نشین اتفاقی نبوده است. مدرسه ایرانیان واقع در استانبول هم که هدف اصلی تحقیق حاضر بوده است، به دلایلی مانند اهمیت شهر استانبول به عنوان پایتخت امپراتوری عثمانی باعث شد که ایرانیانی که در این شهر زندگی می‌کردند به خاطر جدا نشدن از زبان و فرهنگ بومی و نزدیکی به محافل علمی و آموزشی عثمانی، همگام کردن کودکان ایرانی با نظام آموزشی جدید عثمانی و زبان ترکی و سوادآموزی آنان، اقدام به تأسیس مدرسه نمایند. همچنین مدرسه مزبور محل تجمع ایرانیان و بحث‌های آزادی‌خواهان و تبادل نظر در مسائل ایران و به‌ویژه موضوع مشروطیت بوده است. که معمولاً روزنامه‌های ایرانیان در ترکیه همانند: آزادی (۱۳۲۷ ق)، اختر (۱۳۱۳ ق)، سروش (۱۳۲۷ ق) به مدیریت علی‌اکبر دهخدا، شاهسون (۱۳۰۶ ق) به مدیریت حاج عبدالرحیم طالبوف، شمس (۱۳۲۷ ق)، شیدا (۱۳۲۹ ق) و فکر استقلال (۱۳۲۸ ق)، جملگی در راستای تنویر افکار عمومی به‌ویژه داخل ایران بوده است. به هر حال این مدرسه که مرکزی برای انتقال فرهنگ غربی به ایران بوده است، سبب شد که در ایران مدارس مشابهی تأسیس شود و آموزش و پرورش جدید گسترش یابد. این مدرسه که سال‌ها بعد از تشکیل جمهوری ترکیه با نام دبستان ایرانیان به فعالیت علمی و آموزشی خود ادامه می‌داد، با سقوط رژیم پهلوی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران به نام مدرسه ابتدایی جمهوری اسلامی ایران تغییر نام پیدا کرد که البته این مقاله بیشتر به بررسی گذرا به مدارس در دوره قاجار معطوف بوده است. در پایان لازم است سه سند موجود در آرشیو نخست‌وزیری ترکیه که در رابطه با مدرسه دبستان ایرانیان می‌باشد، آورده شود. این اسناد که در سال ۲۰۱۰ میلادی از طرف اداره آرشیو عثمانی به سرپرستی دکتر یوسف سارینای تهیه و ارائه شده است، گزارشاتی را در روابط بین طرفین در قالب دستورات و نامه‌ها ثبت و ارائه نموده است.

● **سند اول:** کمک مالی پادشاه به کنسرت موسیقی که به جهت کمک به دبستان ایرانیان برگزار خواهد شد. این بیانیه‌ای می‌باشد که علاوه بر کمک پادشاه، مراتب تشکر و دعای دانش‌آموزان و معلمان را اعلان می‌دارد:

خدمت نظارت جلیله تشریفات عمومی همایونی / ذات متعالی سمت حضرت شهبازی و مقتضی احوالات جلیله ایشان، احسان و عنایت ایشان جهت انجام کنسرت موسیقی برای کمک به دبستان ایرانیان به مبلغ پنجاه لیره عثمانی به دانش‌آموزان و معلمان مدرسه کرده که باعث دعای حضرت یک دل و یک زبان در این جمع شده در جهت تزیید عمر ایشان و تشکرات فراوان از حضرت پادشاهی نموده و در نهایت امر و فرمان با حضرت می‌باشد.



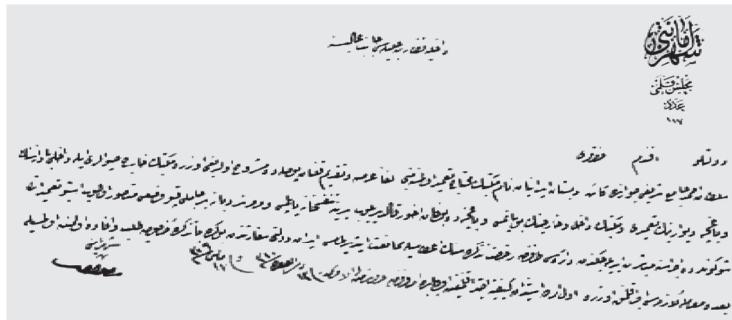
۲۵ شعبان سال ۱۳۰۹ ه. ق. مطابق با ۲۵ مارس ۱۸۹۲ م

(Osmanli Arşiv Daire Başkanlığı, 2010: 260)

● سند دوم: مربوط به اجازه تعمیرات در دبستان ایرانیان

شهر امانتی / مجلس کالمی (قلم خانه مجلس) / شماره ۱۱۷

خدمت جناب عالی ، ناظر جلیله داخلی، مبنی بر اینکه دبستان موسوم به ایرانیان واقع در سلطان احمد نیازمند تعمیرات دیوار خارجی مدرسه و نیز دیوار و بدنه داخلی صحن آن بوده و همچنین نیاز به برداشتن آخور حیات آن و ایجاد تنفس خانه به جای آن برای دانش آموزان و رنگ آمیزی دیوار مدرسه می‌بوده و خواستار اجرای آن از طرف سفارت دولت ایران بوده و در نهایت امر و فرمان با حضرت صاحب‌الامر می‌باشد.



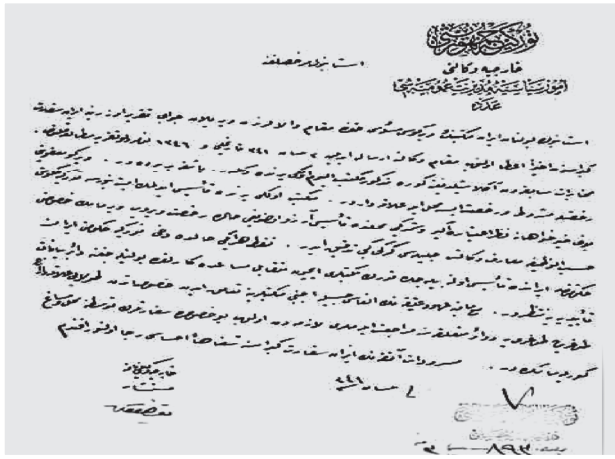
۱۳ ذی القعدة سال ۱۳۱۰ ه. ق. مطابق با ۲۹ مایس ۱۸۹۳ م.

(Osmanli Arşiv Daire Başkanlığı, 2010: 282-)

● سند سوم: معافیت مالیاتی مدرسه ایرانی واقع در استانبول

جمهوری ترکیه / کالت خارجیه / مدیریت عمومی امور سیاسی / شماره ۹۲۰-۳۲۷۹۲
در باب معافیت مالیاتی مدرسه ایرانیان واقع در استانبول و درخواست مقامات سفارت ایران در این مورد و جوابی که داده شده به تاریخ ۳ نیسان ۱۳۴۱ ه. ق. تقریر آن مورد مطالعه

قرار گرفت. امروز مدرسه مذکور واقع در آن مکانی نیست که در مذاکرات سابقه مدنظر بوده است. در جایی دیگر است. رخصت این مسئله مشروط می‌باشد چرا که مدرسه در مکان قبلی نبوده و بررسی مسئله باید به وکالت جلیله معارف واگذار گردد. در هر حال دولت ترکیه منتظر تأییدات دولت ایران برای ساخت و ایجاد مدارس ترک در سرزمین ایران می‌باشد. مشروطات مذکور به شکل شفاهی خدمت مقامات کبیر سفارت ایران اعلان خواهد شد.



نیسان ۱۳۴۱ ه. ق. مطابق با ۱۹۲۵ میلادی به نام وکالت خارجییه / مستشار توفیق
(OsmanliArşivDaire Başkanlığı, 2010: 642-643)

منابع و مأخذ

۱. هامرپورگشتال، یوزف، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، به کوشش جمشید کیان‌فر، تهران، ۱۳۶۸.
۲. حیدرزاده، توفیق، مهاجرت علمای ایران به امپراتوری عثمانی، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۷۶.
۳. رئیس‌نیا، رحیم، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۷۴.
۴. شاه، استانفورد جی و ازل کورال، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۰.
۵. ساسانی، خان ملک، یادبودهای سفارت استانبول، تهران، بابک، ۱۳۵۴.
۶. ریاحی خوبی، محمدامین، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، پازنگ، تهران، ۱۳۶۹.
۷. فراهانی، میرزا حسین‌خان، سفرنامه، به کوشش مسعود گلزاری، رامین، تهران، ۱۳۶۲.
۸. قرقلو، کیومرث، ایرانیان استانبول، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، آبان ۱۳۸۰.
۹. تبریزی، محمد طاهر، اختر (روزنامه)، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۲۹۲.
10. Akyüz Yahya, *Türk Eğitim Tarihi*, Ankara: Pegem Akademi, Baskı 13, 2008.
11. Süleyman Büyükkaracı, *osmanlı devletinde iran okulları*, Selçuk Üniversitesi, 1999.
12. Aysel Çelikel, *Yabancılar hukuku*, 6 baskı, İstanbul, 1993.
13. Altın, Maarif-i Umumiye Nizamnamesi, Ankara Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, 2008.
14. İlknur Polat Haydaroğlu, *Osmanlı İmparatorluğu'nda Yabancı Okullar*, Ocak Yayınları, 1993.
15. Osmanlı Arşiv Daire Başkanlığı, *Arşiv Belgelerinde İran Osmanlılıkları*, Ankara, 2010.
16. Taşdemirci, *Türk Eğitim Tarihinde Azınlık Okulları Ve Yabancı*
17. Okulları, Erciyes Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi, Eğitim Bilimleri.
18. Filiz Diğroğlu, XIX. YÜZYIL OSMANLI DEVLETİ'NDE İRANLI OLMAK: SAMSUN'DAKİ ACEM TOPLULUĞU, İstanbul: Bilgi Üniversitesi Yayınları, 2010.